

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال اول (دوفصلنامه)

- ۵ • اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین
دکتر سید قاسم زمانی - دکتر اسماعیل یعقوبی
- ۳۳ • قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم در حقوق موضوعه ایران
دکتر حسین غلامی دون - دکتر بدر سودانی سادری
- ۶۱ • تخفیف مجازات در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
احمدرضا کوچکی - دکتر شهرام ابراهیمی
- ۸۱ • بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت
دکتر سمیرا گل‌خندان
- ۱۰۹ • پیامدهای سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان
دکتر پریم‌طاهری شاد - دکتر هوشنگ شامبیاتی
- ۱۴۷ • درآمدی بر «حقوق بیمه جنایی» در راستای «سیاست جنایی بیمه‌مدار»
دکتر مهرداد رایجیان اصلی - نعیم سهامی
- ۱۸۱ • تقابل یا تعامل قوانین کیفری دولت خارجی با حقوق بزه‌دیده؛ در پرتو اصل شناسایی متقابل در حقوق کیفری اتحادیه اروپا
دکتر جواد صالحی
- ۲۰۱ • اصل شناسایی متقابل آراء و تصمیمات قضایی در حقوق کیفری اتحادیه اروپا با نگاهی به اجرای آرای کیفری و قرار جلب اروپایی
دکتر بهزاد رضوی فرد - محمد فرجی





تقابل یا تعامل قوانین کیفری دولت خارجی با حقوق بزه‌دیده؛ در پرتو اصل شناسایی متقابل در حقوق کیفری اتحادیه اروپا

دکتر جواد صالحی*

چکیده:

حمایت از حقوق بزه‌دیده واجد اهمیت کمتری از حقوق متهم نیست؛ اما حمایت دولت متبوع وی منوط به جرم‌انگاری و شناسایی بزه‌دیده هر جرم به‌طور خاص در سطح دولت‌های عضو اتحادیه اروپاست. باوجود این دولت سرزمینی بزه‌دیده حسب شرایط اصل شناسایی متقابل مکلف به تبعیت از قانون کیفری یا تصمیمات قضایی دادگاه‌های دولت خارجی برای مقابله با جرم در قلمرو سرزمینی خود و حمایت از بزه‌دیده متبوع است. لیکن این وضعیت در تضاد با اصل حاکمیت درون سرزمینی و تقابل قوانین کیفری دولت‌هاست. از یک طرف، محقق شدن ایده شکل‌گیری اتحادیه اروپا در حوزه آزادی، امنیت و عدالت مستلزم قانون کیفری واحد در قلمرو اتحادیه اروپاست که تاکنون میسر نشده است. از طرف دیگر، تفاوت قوانین کیفری دولت سرزمینی مجرم با قوانین دولت متبوع بزه‌دیده باعث تقابل آنها با یکدیگر شده است تا حدی که اجرای قوانین هریک در قلمرو دیگر دولت عضو اتحادیه اروپا با چالش‌هایی مواجه است. اتحادیه اروپا با جعل اصل شناسایی متقابل در صدد رفع چالش‌های ناشی از این تقابل برآمده است. بررسی تجربه، موانع و راهکارهای پیشنهادی حقوق کیفری اتحادیه اروپا برای گذر از چالش‌های پیش‌رو موضوع این نوشتار است. لیکن دستاوردهای این مطالعه حاکی از آن است که اجرای اصل شناسایی متقابل متکی به اصل هماهنگ‌سازی قوانین کیفری و در تضاد با ممنوعیت استرداد تبعه داخلی و اصل قانونی بودن جرایم است.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۳، نیمسال اول ۱۳۹۸
صفحه ۱۸۱-۱۹۹، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۰۴

کلیدواژه‌ها:

حقوق کیفری اتحادیه اروپا، بزه‌دیده اروپایی، اصل شناسایی متقابل، اصل هماهنگ‌سازی قوانین، اصل یکسان‌سازی قوانین.

مقدمه

آزادی تردد در قلمرو سرزمینی اتحادیه اروپا بدون اینکه مرزی میان دولت‌های عضو آن مانع باشد، مؤلّد مجرمیت و افزایش بزه‌دیدگی اتباع هریک از دولت‌های عضو اتحادیه اروپاست.^۱ حال آنکه ممنوعیت‌های قوانین کیفری در راستای تحقق نظم عمومی و حمایت از بزه‌دیده درون سرزمینی هستند. بزه‌دیده در قلمرو برون سرزمینی^۲ تابع قوانین کیفری دولت متبوع است. لیکن دولت متبوع بزه‌دیده نسبت به جرایم واقع در قلمرو فراسرزمینی علیه اتباع وی و محاکمات دولت سرزمینی محل وقوع جرم اعمال حاکمیت ندارد. بر این اساس تا زمانی که دولت سرزمینی محل وقوع جرم در صدد تعقیب، محاکمه و مجازات جرم ارتكابی است، نوبت به اعمال صلاحیت دولت متبوع بزه‌دیده نمی‌رسد. حال آنکه بزه‌دیده^۳ در قلمرو فراسرزمینی بیش از قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود نیازمند حمایت‌های قانونی وی است.^۴ در فرض اول، اگر تبعه‌ای در قلمرو فراسرزمینی بزه‌دیده واقع شود یا اینکه عامل جرم علیه وی، در قلمرو فراسرزمینی دستگیر و در همان‌جا محاکمه شود، نقش دولت متبوع بزه‌دیده در اعمال حمایت‌های قانونی از وی نامشخص است.^۵ حال آنکه دادرسی عادلانه بر پایه هم‌ترازی، شامل حق‌های بزه‌دیده نیز می‌باشد.^۶ در فرض دوم، اگر بزه‌دیده در قلمرو دولت سرزمینی خود در معرض رفتاری قرار گیرد که در نظام حقوقی دولت متبوع وی جرم‌انگاری نشده است،

1. Sławomir R. Buczman, "An Overview of Legal Acts on Protection of Victims of Crime in the View of the Adoption of the Directive 2012/29/EU Establishing Minimum Standards on the Rights, Support and Protection of Victims of Crime in the European Union." *ERA Forum* 14 (2013): 236.

۲. برای مطالعه بیشتر در این رابطه نک: علی خالقی، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶)، جلد ۱، چاپ ۳۶، ۱۲۱.

۳. برای مطالعه بیشتر در این رابطه نک: جواد صالحی، «آثار بزه‌دیده‌شناسی بر حق مشارکت بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی کیفری»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۲ (۱۳۹۴)، ۲۵۷.

4. Irene Wiczorek, "A Needed Balance between Security, Liberty and Justice. Positive Signals Arrive from the Field of Victims' Rights," *European Criminal Law Review* 2 (2012): 14.

5. Steve Peers, *EU Justice and Home Affairs Law* (UK: Oxford Scholarship Online, 2016), 631.

۶. جعفر کوشا و مصطفی پاک‌نیت، «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی»، *مجله حقوقی دادگستری* ۹۷ (۱۳۹۶)، ۳۵.

نقش دولت متبوع وی معلوم نیست، درحالی‌که این رفتار به دلیل جرم‌انگاری دولت متبوع مجرم واجد شناسایی و حمایت از بزه‌دیده دارای تابعیت بیگانه آن است. در این فروض تبعه بیگانه با رفتار جرم‌انگاری شده در حقوق کیفری دولت متبوع خود باعث بزه‌دیدگی تبعه دولت سرزمینی محل وقوع جرم شده است، درحالی‌که دولت سرزمینی محل وقوع جرم، نه عمل وی را جرم می‌شناسد و نه از بزه‌دیده آن ولو تبعه داخلی حمایت قانونی می‌کند. لذا تعقیب، محاکمه و مجازات عامل جرم بنا به قوانین کیفری دولت متبوع مجرم مورد درخواست بزه‌دیده آن است، درحالی‌که قوانین کیفری دولت متبوع بزه‌دیده در جرم‌انگاری و بزه‌دیدگی وی ساکت است؛ بنابراین استرداد عامل جرم به دولت متبوع وی برای محاکمه فتح بابی برای انتقال بزه‌دیده به قلمرو دولت محاکمه‌کننده برای برخورداری از مزایای قانونی بزه‌دیدگی بر اساس قانون کیفری متبوع مجرم است، ولو اینکه قانون کیفری قابل اجرا نسبت به بزه‌دیده از سوی دولت غیرمتبوع وی و در تعارض با قوانین کیفری دولت متبوع بزه‌دیده باشد.

این تعارض ناشی از تنوع قوانین کیفری دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در مواجهه با تبعه اروپایی دارای حقوق یکسان در سرزمین اتحادیه اروپاست. هریک از دولت‌های اروپایی در سطح ملی واجد قوانین کیفری مختص به خود هستند که ریشه در مذهب، فرهنگ و ارزش‌های ملی آنها دارد. لیکن دولت‌های عضو تا زمان یکسان‌سازی قوانین کیفری در سطح اتحادیه اروپا مجبور به رسمیت شناختن قوانین کیفری متفاوت یکدیگر هستند. تحت این شرایط پُر واضح است که اتباع یا ساکنان سرزمینی دولت عضو اتحادیه اروپا علاوه بر قوانین ملی دولت سرزمینی یا متبوع خود، مخاطب قوانین کیفری دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نیز قرار می‌گیرند. درحالی‌که برخی از رفتارها بر اساس قوانین ملی دولت سرزمینی جرم‌انگاری نشده است، به‌موجب قانون کیفری دیگر دولت عضو اتحادیه اروپا مجرم یا بزه‌دیده آن شناسایی شده است. قاچاق دارو، قاچاق انسان، جرایم علیه کودکان و تقلب مالیاتی از جمله این موارد هستند. لذا رفتار مجرمانه و بزه‌دیدگی تبعه اروپا بر اساس قانون خارجی برای دولت سرزمینی محل وقوع جرم به‌موجب اصل شناسایی متقابل^۷ در امور کیفری به رسمیت شناخته می‌شود. اصل شناسایی متقابل در سرتاسر قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باعث می‌شود تا آراء و قرارهای قضایی دادگاه‌های کیفری هریک از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا توسط مقامات رسمی دیگر دولت‌های عضو به اجرا گذاشته شوند، ولو

7. The Principle of Mutual Recognition.

اینکه در قوانین کیفری دولت مجری فاقد سابقه تقنینی باشند، بر این اساس آراء و قراردادهای قضایی بدون در نظر گرفتن مرزهای سیاسی هریک از دولت‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند. با وجود این توسل دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به اصل شناسایی متقابل با نگرانی‌های جدی توأم است. اتباع داخلی یا خارجی به موجب آراء و قراردادهای صادره از سوی دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا توسط دولت متبوع یا سرزمینی تحت تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند، چراکه آنها به یک اعتبار تبعه اروپایی واحد هستند و نظم عمومی اروپای واحد را برهم زده‌اند، ولو اینکه قانون ملی متبوع در رابطه با رفتار آنها ساکت باشد. این در حالی است که تبعه داخلی از ممنوعیت‌های برون‌سرزمینی و ضمانت‌اجراهای آن در قوانین کیفری دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا مطلع نیست و تبعه خارجی نیز با نقض قوانین کیفری دولت متبوع خود الزاماً قوانین دولت سرزمینی محل اقامت خود را نقض نکرده است که استحقاق مداخله کیفری وی را داشته باشد. این وضعیت در مورد بزه‌دیده نیز صادق است. بزه‌دیده بر اساس قوانین دولت متبوع استحقاق دریافت مزایای بزه‌دیدگی را ندارد، چون رفتاری که علیه او صورت گرفته است، بر اساس قوانین دولت متبوع خود جرم نیست تا بزه‌دیدگی آن متصور باشد. اگرچه دولت سرزمینی محل وقوع جرم در مواجهه با عامل جرم حداکثر به استرداد وی به دولت متبوع می‌پردازد تا حسب قوانین کیفری دولت متبوع به محاکمه وی بپردازد، لیکن وضعیت بزه‌دیده در دادگاه خارجی و الزام دولت متبوع وی در حمایت از بزه‌دیدگی تبعه خود بر اساس قوانین خارجی دولت متبوع مجرم چیست؟ بزه‌دیده مخاطب قوانین دولت خارجی قرار می‌گیرد، در حالی که وضعیت دولت متبوع وی در حمایت قانونی با اتکاء به قوانین کیفری داخلی با خلأ مواجه است.

بزه‌دیده در قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود از حمایت‌های قانونی دولت خارجی متبوع مجرم برخوردار است، حال آنکه رابطه سیاسی و حقوقی وی با دولت متبوع مجرم برقرار نیست، بدین معنا که او مخاطب و برخوردار از حمایت‌های قانونی دولت متبوع و سرزمینی خود است، ولو اینکه جرم به حکم قانون کیفری خارجی از سوی تبعه همسان با وی، تبعه خارجی در قلمرو سرزمینی همسان یا از فراسوی مرزهای سرزمینی محل اقامت وی را دربر گرفته باشد. در این شرایط دولت سرزمینی محل وقوع جرم یا دولت متبوع بزه‌دیده مجاز به حمایت قانونی از وی است، لیکن برای تحقق این حمایت لازم است که جرم‌انگاری دولت خارجی را در پرتو اصل شناسایی متقابل به رسمیت بشناسد و به اجرا بگذارد یا مطالبه کند. حال آنکه هردو صورت برای دولت مجری از چهارچوب بایسته‌های اعمال حاکمیت درون‌سرزمینی

خارج است. این درحالی است که حقوق کیفری اتحادیه اروپا در چهارچوب اصل شناسایی متقابل درصدد رفع چالش پیش رو برآمده است، لیکن تجربه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در این مسیر با شکست مواجه است. در این نوشتار تلاش شده است تا تقابل قوانین کیفری دولت سرزمینی مجرم با حقوق بزه‌دیده در پرتو اصل شناسایی متقابل در حقوق کیفری اتحادیه اروپا مورد بررسی و تحلیل انتقادی قرار گیرد و دستاوردهای آن به علاقه‌مندان ارائه شود. باور نویسنده حاضر بر این است که تجربه شکست اتحادیه اروپا در قلمرو حقوق کیفری دوران معاصر زمینه‌ای برای احتراز نظام حقوقی سایر کشورها از تبعات منفی اصل شناسایی متقابل و قلمرو آن است. از این رو در این نوشتار ابتدا (۱) رویکرد اتحادیه اروپا در حمایت از بزه‌دیده در پرتو اصل شناسایی متقابل، سپس (۲) اصل شناسایی متقابل در مواجهه با ممنوعیت استرداد تبعه داخلی و اصل قانونی بودن جرایم و درنهایت (۳) اصل شناسایی متقابل در گرو هماهنگ‌سازی قوانین کیفری در قلمرو اتحادیه اروپا مورد بررسی و تحلیل نقادانه قرار می‌گیرد.

۱- رویکرد اتحادیه اروپا در حمایت از بزه‌دیده در پرتو اصل شناسایی متقابل

حقوق کیفری اتحادیه اروپا بر سرتاسر قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو حکومت دارد. از این منظر اتحادیه اروپا با بزه‌دیده و مجرم دارای تابعیت یکسان اروپای واحد مواجه است. لذا جرم‌انگاری یا خلاً جرم‌انگاری برای دولت متبوع بزه‌دیده یا مجرم بی‌معناست. اتحادیه اروپا با جعل اصل شناسایی متقابل درصدد است ضرری از این حیث متوجه بزه‌دیده در سرتاسر قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو نباشد. از این رو جرم‌انگاری در قلمرو سرزمینی یک دولت عضو برای سایر دولت‌های عضو کفایت می‌کند. دولت سرزمینی محل وقوع جرم، ولو اینکه رفتار ارتكابی را جرم‌انگاری نکرده باشد، بنابه مقررات کیفری دیگر دولت عضو مکلف به تعقیب، محاکمه و مجازات عامل جرم است، اعم از اینکه عامل جرم تبعه وی باشد یا نباشد. این تکلیف ناشی از حاکمیت اصل شناسایی متقابل است، مشروط به اینکه در حق بزه‌دیده اثر منفی نگذارد. نقش و وضعیت حقوقی بزه‌دیده یکی از ابعاد قانون آیین دادرسی کیفری در زمان تعقیب، محاکمه و مجازات متهم است. تضمین حقوق بزه‌دیده واجد اهمیت کمتری از

تضمین حقوق متهم نیست.^۸ نحوه برخورد با بزه‌دیده و پیش‌بینی حداقل حقوق وی در زمان تعقیب، محاکمه و مجازات متهم مبتنی بر تئوری‌های مختلفی از جرم، مجازات و ارتباط آنها با اشخاص و دولت است. اهمیت دادن به منافع بزه‌دیده در نظام حقوقی دولت متبوع وی حاکی از مفهوم محاکمه کیفری و پشتوانه فلسفی آن در روند محاکمه و مجازات متهم دارای تابعیت بیگانه بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری سرزمینی محل وقوع جرم است. اشارات قانون آیین دادرسی کیفری به حقوق بزه‌دیده در زمان تعقیب، محاکمه و مجازات متهم مبتنی بر نگرشی است که دولت متبوع وی از محاکمه مجرم در نظر دارد تا نظم و عدالت کیفری را در سطح جامعه محقق سازد. بدیهی است که تعقیب و مجازات مجرم در راستای اعمال حاکمیت و برقراری نظم جامعه بدون توجه به منافع بزه‌دیده لزوماً منتهی به تحقق عدالت کیفری و آرامش خاطر بزه‌دیده نمی‌شود. این وضعیت در جایی تشدید می‌شود که قوانین کیفری سرزمینی محل وقوع رفتار تبعه بیگانه با خلأ جرم‌انگاری مواجه است، حال آنکه تبعه بیگانه بنا به قوانین کیفری دولت متبوع خود در حال ارتکاب جرم است. ارتکاب جرم وی منجر به بزه‌دیدگی تبعه دولت سرزمینی محل وقوع جرم است، درحالی‌که حسب قوانین کیفری دولت سرزمینی قربانی جرم به دلیل خلأ جرم‌انگاری ذیل عنوان بزه‌دیدگی قرار نگرفته است.

بزه‌دیده از اتباع دولت سرزمینی محل وقوع جرم است. لذا بزه‌دیده برای دولت محاکمه‌کننده جرم، تبعه بیگانه و فراسرزمینی تلقی می‌شود. اگرچه هر دو فرد مجرم و بزه‌دیده به یک اعتبار تبعه اروپای واحد هستند، لیکن به دلیل فقدان قانون کیفری واحد اتحادیه اروپا مشمول قوانین کیفری متفاوت دولت‌های عضو آن قرار گرفته‌اند. در این شرایط، دولت متبوع مجرم مکلف به رعایت حقوق بزه‌دیده فراسرزمینی بر اساس قوانین دولت متبوع بزه‌دیده است. بزه‌دیده در قلمرو سرزمینی غیر از سرزمین دولت متبوع مجرم یا دولت محاکمه‌کننده مُتصِف به بزه‌دیدگی شده است؛ بنابراین از او تحت عنوان بزه‌دیده فراسرزمینی یاد می‌شود تا از بزه‌دیده در قلمرو سرزمینی دولت متبوع مجرم متمایز باشد. بزه‌دیده فراسرزمینی در این شرایط الزاماً متبوع یا مقیم سرزمین دولت محاکمه‌کننده نیست تا دولت متبوع مجرم بخواهد بر اساس قوانین داخلی خود و همانند بزه‌دیده داخلی با بزه‌دیده خارجی برخورد کند. صرف‌نظر از اینکه حق تمتع اتباع بیگانه از حمایت کنسولی دولت متبوع خود یکی از الزامات دادرسی

8. Thomas Elholm, "Does EU Criminal Cooperation Necessarily Mean Increased Repression?," *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice* 17 (2009): 223.

عادلانه است.^۹ این رویکرد تحت عنوان سیاست جنایی در مفهوم عدول از اصول و قواعد شناخته شده قابل اعمال نسبت به عموم وضعیت‌های مجرمانه است^{۱۰} که دولت محاکمه‌کننده بر اساس قوانین دولت متبوع بزه‌دیده عمل می‌کند. لیکن رعایت حقوق بزه‌دیده فراسرزمینی بر اساس قوانین دولت متبوع وی برخلاف مبانی و معیارهای سنتی مقابله با مجرمیت و در نظر گرفتن حقوق بزه‌دیده است که در سطح داخلی نسبت به اتباع بزه‌دیده با قوانین کیفری سرزمینی صورت می‌گیرد. صرف نظر از اینکه جرم‌انگاری لازم از سوی دولت متبوع بزه‌دیده برای محاکمه عامل جرم در قلمرو سرزمینی خود صورت نگرفته است. بر فرض که هم بزه‌دیده و هم مجرم در قلمرو سرزمینی وقوع جرم، عامل بیگانه تلقی شوند، این اشکال همچنان وجود دارد. دولت سرزمینی مکلف به استرداد مجرم به دولت متبوع وی برای محاکمه است. دولت محاکمه‌کننده نیز مکلف به رعایت حقوق بزه‌دیده بر اساس کلیات قوانین کیفری دولت متبوع وی در قسمت بزه‌دیدگی است.

صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده به مراتب کمتر از اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجرم پذیرفته شده است.^{۱۱} لذا تبعیت دولت متبوع بزه‌دیده از عملکرد دولت محاکمه‌کننده اعم از سرزمینی یا دولت متبوع مجرم ناگزیر است. مگر اینکه دولت متبوع بزه‌دیده به صورت توأمان هم دارای قوانین کیفری لازم برای محاکمه تبعه بیگانه باشد، هم جرم در قلمرو سرزمینی وی رخ داده باشد یا اینکه مجرم برای محاکمه به استناد اصل صلاحیت مبتنی بر بزه‌دیده به وی مسترد شده باشد. بدیهی است که جمع این شرایط اگرچه ناممکن نیست، لیکن در شرایط دولت‌های دارای حاکمیت درون سرزمینی مستقل به سختی امکان‌پذیر است. چراکه با حاکمیت اصول کیفری صلاحیت سرزمینی و صلاحیت شخصی نوبت به اعمال صلاحیت مبتنی بر بزه‌دیده نمی‌رسد. در عین حال دولت متبوع مجرم مخاطب قوانین دولت متبوع بزه‌دیده نیست تا ملزم به رعایت آن در هنگام محاکمه و اجرای مجازات علیه تبعه داخلی باشد. چه بسا حقوق متهم بر اساس قوانین داخلی تاب پذیرش رعایت حقوق بزه‌دیده بر اساس قوانین خارجی را نداشته باشد. شاید اولویت دادن به حقوق بزه‌دیده بر اساس قوانین خارجی منجر به نادیده گرفتن حقوق متهم بر اساس قوانین داخلی شود. حال

۹. حسین آقایی جنت‌مکان، *حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه* (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۶)، ۴۹.

۱۰. داوود کرمی، «سیاست کیفری افتراقی در قلمرو ارکان متشکله جرایم سایبری»، *فصلنامه مجلس و راهبرد* ۹۳ (۱۳۹۷)، ۳۴۷.

۱۱. حسن پوربافرانی، *حقوق جزای بین‌الملل* (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۶)، چاپ ۱۰، ۱۲۲.

آنکه متهم تبعه دولت محاکمه‌کننده است و بزه‌دیده برای وی فراسرزمینی و عنصر خارجی است. دولت سرزمینی مسئولیت تبعیت از قوانین داخلی و رعایت حقوق تبعه داخلی (متهم) را به مراتب بیش از تبعیت از قوانین خارجی و رعایت حقوق تبعه خارجی (بزه‌دیده) برعهده دارد. تضمین رعایت حقوق دفاعی متهم از تعهدات دولت‌هاست. بی‌توجهی به آن، به‌منزله عدول از تعهدات بین‌المللی دولت متبوع است. باوجوداین، اعمال حق حاکمیت درون‌سرزمینی و خودداری کردن از اتکاء به قوانین خارجی برای حمایت از بزه‌دیده فراسرزمینی یا دارای تابعیت غیرملی از دولت سرزمینی متبوع مجرم به دلیل عضویت در اتحادیه اروپا نیز سلب شده است. این وضعیت با اصل حاکمیت درون‌سرزمینی دولت‌ها در تضاد است، اما با عضویت دولت‌ها در اتحادیه اروپا توجیه و مرتفع شده است. اگرچه تلاش شده است که چالش‌های اجرایی تعقیب جرایم و حمایت از بزه‌دیده آن با وضع قانون کیفری واحد در قلمرو اتحادیه اروپا زدوده شوند، لیکن این چالش‌ها تا زمان حاکمیت قوانین کیفری متنوع دولت‌های عضو در مواجهه با وضعیت حقوقی یکسان تبعه اتحادیه اروپا به قوت خود باقی هستند. حقوق کیفری اتحادیه اروپا با جعل اصل شناسایی متقابل درصدد گذر از این چالش برآمده است، لیکن با چالش‌های دیگری مواجه شده است.

۲- اصل شناسایی متقابل در مواجهه با ممنوعیت استرداد تبعه داخلی و اصل قانونی بودن جرایم

مرز سرزمینی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا برداشته شده است. این وضعیت آزادی رفت‌وآمد مجرم در کل قلمرو سرزمینی اتحادیه اروپا را فراهم کرده است. لیکن قوانین کیفری هنوز محدود به مرزهای سرزمینی دولت متبوع هستند. ازاین‌رو تنوع بایدونبایدهای کیفری در سطح دولت‌های عضو اتحادیه اروپا فرصتی پیش روی بزهکاران است تا از خلأهای آن به‌نفع خود بهره‌برداری کنند. تبعه داخلی از قلمرو سرزمینی مشمول قوانین کیفری دولت متبوع خارج می‌شود. او در قلمرو سرزمینی دیگر دولت عضو اتحادیه اروپا مرتکب فعل یا ترک فعلی می‌شود که بر اساس قوانین دولت متبوع خود جرم است، درحالی‌که بر اساس قوانین دولت سرزمینی جرم نیست. اگرچه تابعیت مجرم به دولت متبوع وی صلاحیت رسیدگی به جرم را اعطاء می‌کند، لیکن نتیجه این محاکمه منوط به استرداد یا بازگشت تبعه به قلمرو سرزمینی

است. حال آنکه جرم ارتكابی وی جنبه بین‌المللی یا صلاحیت جهانی^{۱۲} برای کلیه کشورهای دارای امکان دسترسی به وی را ندارد. لذا این وضعیت مشمول قاعده «استرداد یا محاکمه» قرار نمی‌گیرد.^{۱۳} چراکه اولاً، حاکمیت این قاعده نسبت به جرایم بین‌المللی است که در قوانین تمام کشورها جرم‌انگاری شده‌اند. حال آنکه در وضعیت حاضر اساساً رفتار تبعه خارجی در قوانین داخلی دولت سرزمینی محل وقوع رفتار جرم‌انگاری نشده است؛ ثانیاً، حاکمیت این قاعده به مواردی است که مجرم تبعه داخلی نباشد، چراکه استرداد مجرم به دولت دیگر در صورت داشتن تابعیت داخلی با ممنوعیت مواجه است. مگر اینکه مجرم تحویل محکمه کیفری بین‌المللی شود که با این شرایط دیگر ذیل مفهوم استرداد قرار نمی‌گیرد. درعین حال که اگر قائل به جایگاه تبعه اروپایی در سرتاسر قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باشیم، برای دولت سرزمینی نیز بنا به ممنوعیت استرداد تبعه داخلی محدودیت‌هایی وجود دارد. ولو اینکه دولت تحویل‌گیرنده نیز به یک اعتبار درصد استرداد تبعه داخلی است. چراکه تبعه اروپایی هم تبعه دولت مستردکننده و هم تبعه دولت مستردگیرنده است.

سرتاسر قلمرو اتحادیه اروپا، سرزمین شهروند اروپاست. لذا در جامعه واحد اتحادیه اروپا و تحقق اصل اعتماد متقابل^{۱۴} فی‌مابین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا با اتکاء به مفهوم شهروند اروپایی، ارزش‌ها و ممنوعیت‌های واحد، دیگر سخن از ملیت مجرم یا بزه‌دیده بر اساس تابعیت دولت عضو اتحادیه اروپا کنار گذاشته می‌شود. دولت‌ها بنا به اصل اعتماد متقابل به نظام حقوقی و قوانین کیفری یکدیگر و تمام اقدامات قضایی مقامات رسمی مبتنی بر این سازوکارها اعتماد می‌کنند و آنها را همسان با نظام حقوقی و قوانین کیفری یا اقدامات مقامات رسمی خود شناسایی می‌کنند و اعتبار یکسان قائل می‌شوند. بر این اساس ممنوعیت استرداد مجرم دارای تابعیت ملی بی‌معناست؛^{۱۵} چراکه ما با تبعه اروپایی مواجه هستیم که در قلمرو سرزمینی اتحادیه اروپاست. دولت‌ها در مفهوم سابق در اتحادیه اروپا عضویت دارند و از مقررات آن تبعیت می‌کنند. لیکن این وضعیت مربوط به زمانی است که یکسان‌سازی

۱۲. فضل‌اله فروغی و بهزاد جودکی، «راه‌حل‌های تعارض صلاحیت در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی ۵۷ (۱۳۹۶)، ۲۵۰.

۱۳. محمدعلی اردبیلی و ندا میرفلاح نصیری، «اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن قاعده استرداد یا محاکمه در ایران»، مجله حقوقی دادگستری ۹۸ (۱۳۹۶)، ۸.

14. The Principle of Mutual Trust.

15. Maria Fletcher, Robin Loof and Bill Gilmore, *EU Criminal Law and Justice* (UK: Edward Elgar Publishing Limited, 2010), 114.

مقررات^{۱۶} کیفری در سطح اتحادیه اروپا محقق شود. لیکن یکسان‌سازی مقررات کیفری واجد مفهوم جمع‌آوری کلیه قوانین کیفری متفاوت دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در سطح ملی و از نوشتن قانون واحد برای اجرا در سطح دولت‌های عضو اتحادیه اروپاست. این امر با مقاومت‌هایی مواجه است که تاکنون زمینه اجرای آن را فراهم نکرده است. لذا دولت سرزمینی در مفهوم کلی تا آن زمان از استرداد تبعه داخلی به دولت خارجی خودداری می‌کند. به همین نحو دولت سرزمینی با اتکاء به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در سطح داخلی از شناسایی قانون، آراء و قرارهای دادگاه‌های کیفری دولت خارجی برای تعقیب، محاکمه و مجازات تبعه داخلی به اتهام جرم فاقد جرم‌انگاری در قوانین ملی خودداری می‌کند. با این اوصاف دسترسی دولت خارجی تحت این شرایط به تبعه دیگر دولت عضو اتحادیه اروپا از هیچ طریق دیگر هم ممکن نیست. صرف‌نظر از اینکه رفتار مجرمانه تبعه خارجی به‌زعم دولت متبوع وی، از منظر دولت سرزمینی محل اقامت و فعالیت وی جرم نیست. تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات وی از سوی دولت متبوع در قلمرو سرزمینی دولت مجری به‌موجب اصل شناسایی متقابل با تمسک به اصل قانونی بودن جرم و مجازات با بن‌بست مواجه می‌شود. برعکس این وضعیت نیز با نتیجه مشابه مذکور مواجه است. تبعه‌ای در قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود مرتکب رفتاری می‌شود که بر اساس قوانین سرزمینی جرم نیست، لیکن مشمول قوانین کیفری دیگر دولت عضو اتحادیه اروپاست. تعقیب، محاکمه و مجازات این فرد از سوی دولتی که قوانین کیفری وی نقض شده است، بنا به اصل شناسایی متقابل ممکن نیست. چراکه رفتار وی در قلمرو سرزمینی و بر اساس قوانین دولت متبوع وی جرم نیست. لذا نمی‌توان او را بنا به مقررات دولت خارجی تحت تعقیب قرار داد. دولت متبوع وی نیز با تمسک به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها از اجرای آراء و قرارهای صادره از سوی دادگاه‌های داخلی دولت متقاضی بنا به اصل شناسایی متقابل معذور است.

دولت‌های عضو در قلمرو حقوق کیفری تا زمان یکسان‌سازی قوانین کیفری یا تصویب قانون کیفری اتحادیه اروپا نمی‌توانند اتباع داخلی را با کل مزایا و ممنوعیت‌های حاکم بر اتباع تمام دولت‌های عضو مواجه کنند. از یک طرف، فعالیت درون سرزمینی اتباع داخلی منجر به نقض نظم عمومی و مصالح برون سرزمینی نیست، ولو ای که با ممنوعیت قانونی دولت‌های خارجی مواجه باشد. تسری دادن امتیازات و ممنوعیت‌ها به اتباع سایر دولت‌های عضو، ولو

16. Unification of Laws.

این با ارزش‌های حاکم بر جامعه تک‌تک آنها منافات نداشته باشد، تصمیم‌گیری برای اتباع سایر دولت‌ها و مداخله در امور داخلی دولت‌های متبوع آنهاست. دولت صادرکننده آراء و قرارهای قضایی حاکمیتی بر اتباع دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا ندارد تا بتواند دولت متبوع آنها را وادار به شناسایی و اجرای آرای کیفری در قلمرو سرزمینی خود نماید. درحالی‌که این وضعیت با اعمال حاکمیت درون‌سرزمینی دولت متبوع آنها در تضاد است. از طرف دیگر، وقوع جرم در قلمرو سرزمینی دولت غیرمتبوع مجرم و سپس استرداد وی به دولت متبوع مجرم منجر به نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیده سرزمینی محل وقوع جرم است. ولو اینکه رفتار مجرم در قوانین دولت متبوع بزه‌دیده جرم‌انگاری نشده باشد. لیکن اگر دولت متبوع مجرم به محاکمه وی بپردازد، بزه‌دیده آن را نیز به رسمیت می‌شناسد و حقوق یکسان با بزه‌دیده داخلی برای وی حسب قوانین کیفری درون‌سرزمینی در نظر می‌گیرد. این درحالی است که بزه‌دیده فراسرزمینی به اتکاء اصل شناسایی متقابل در قلمرو سرزمینی دولت متبوع به دلیل فقدان قوانین کیفری مشابه، واجد حق تعقیب و مجازات و برخورداری از مزایای بزه‌دیدگی نیست. به‌همان نحو که اصل شناسایی متقابل دولت سرزمینی و متبوع بزه‌دیده را از به رسمیت شناختن قوانین، آراء و قرارهای دادگاه‌های دولت خارجی در رابطه با رفتارهای جرم‌انگاری‌نشده در سطح ملی منع می‌کند، به همان نحو نیز دولت متبوع مجرم، بزه‌دیده فراسرزمینی را به دلیل فقدان رفتار متقابل دولت متبوع وی به رسمیت نمی‌شناسد. این درحالی است که انتظار می‌رود دولت متبوع بزه‌دیده در فرایند محاکمه مجرم در قلمرو دولت متبوع وی اعمال حاکمیت داشته باشد. دولت متبوع بزه‌دیده به دلیل فقدان جرم‌انگاری عمل مجرم خارجی در قلمرو سرزمینی قوانین کیفری لازم برای محاکمه جرم تبعه بیگانه در قلمرو سرزمینی خود را ندارد، لیکن مقررات کلی حمایت‌کننده از بزه‌دیده داخلی را برحسب دیگر جرایم پیش‌بینی شده عمدتاً در قوانین کیفری شکلی در اختیار دارد.

۳- اصل شناسایی متقابل در گرو هماهنگ‌سازی قوانین کیفری در قلمرو

اتحادیه اروپا

شهروند تبعه دولت عضو اتحادیه اروپا در قلمرو سرزمینی تابع حقوق و آزادی‌هایی است که دولت ملی برای وی وضع کرده است. تبعه سرزمینی دولت عضو، تبعه سرزمینی تک‌تک دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نیست، به‌نحوی که تمام قوانین کیفری مصوب دولت‌های عضو اتحادیه اروپا بر او حکمرانی نماید. از این‌رو چهارچوب ممنوعیت‌های کیفری فراتر از سیاهه

جرم‌انگاری داخلی و به گستردگی تمام قوانین کیفری دولت‌های عضو اتحادیه اروپا باعث می‌شود تا تضمین‌های حقوق کیفری دولت مجری با شناسایی و اجرای آراء و قرارهای صادره از دادگاه‌های داخلی دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا مخدوش شوند. با وجود این اطمینان از وجود سیستم‌های حقوقی مشابه در سطح ملی موجب اعتماد متقابل دولت‌های عضو اتحادیه اروپاست. دولت‌ها در این شرایط به همکاری متکی به ابزار شناسایی متقابل مؤثر متقاعد می‌شوند. همکاری قضایی در منطقه عدالت، آزادی و امنیت با در نظر گرفتن حقوق بنیادین و نظام‌های حقوقی متفاوت دولت‌های عضو موضوع معاهده ساختار اتحادیه اروپاست.^{۱۷} منشأ این همکاری ممکن است متکی به معاهدات همکاری قضایی بین‌المللی^{۱۸} یا ناشی از الزام عضویت در اتحادیه اروپا و تبعیت از مقررات وی باشد. از این‌رو شناسایی متقابل، ساده‌ترین گزینه پیش‌روی دولت عضو اتحادیه اروپاست. لیکن شناسایی متقابل آرای قضایی در قلمرو سرزمینی هریک از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در عمل مبتنی بر هماهنگ‌سازی قوانین^{۱۹} کیفری است. این رویکرد مبنی بر اروپایی‌سازی قوانین کیفری در سطح دولت‌های عضو است که از زمان معاهده آمستردام^{۲۰} شروع شده است.^{۲۱}

هماهنگ‌سازی قوانین کیفری متکی بر اصول کیفری واحد است. هماهنگ‌سازی قوانین بر اساس اصول کیفری مسلم از مقبولیت جهانی برخوردار است. لیکن این به معنای یکسان بودن ممنوعیت‌های کیفری در قلمرو تمام دولت‌های عضو نیست. بلکه دولت‌های عضو تلاش می‌کنند با حفظ اصول مسلم کیفری به جرم‌انگاری‌های مدنظر بپردازند؛ بنابراین این رویکرد الزاماً به معنای یکسان‌سازی قوانین کیفری نیست. ارتباط دادن اصل شناسایی متقابل به هماهنگ‌سازی قوانین تحت این شرایط بی‌معناست. در یکسان‌سازی قوانین زمینه شناسایی متقابل از بین می‌رود، چراکه شناسایی قوانین کیفری طرف مقابل همان شناسایی قوانین یکسان خود است. از این‌رو اصل شناسایی متقابل در ارتباط مستقیم با اصل همکاری قضایی قرار می‌گیرد که در حمایت از حقوق دفاعی مجرم و حقوق حمایتی قربانیان جرایم

17. Burkhard Hess, "The Brussels I Regulation: Recent Case Law of the Court of Justice and the Commission's Proposed Recast," *Common Market Law Review* 49 (2012): 1076.

۱۸. محمدجواد شریعت‌باقری، «تصویب موافقتنامه‌های همکاری قضایی بین‌المللی؛ مشکلات و راه‌حل‌ها»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی* ۶۶ (۱۳۹۳)، ۴۰.

19. Harmonization of Laws.

20. Treaty of Amsterdam.

21. Tomas Königs, Sohail Wahedi and Tjalling Waterbolck, "The European Union's Approach towards Child Victim Testimonies in Criminal Proceedings Compared to the Right to Fair Trial," *Journal of Politics and Law* 6 (2013): 14.

فراسرزمینی کاربرد دارند. هماهنگ‌سازی ضمانت‌اجراهای شکلی منجر به اقناع مقامات قضایی دولت مجری در اعمال سازوکارهای مشابه در حمایت از تبعه بیگانه می‌شود؛^{۲۲} لیکن اصل شناسایی متقابل در برخی موارد، سازوکارهای اعمال حاکمیت درون‌سرزمینی و وضع قوانین کیفری برای اتباع داخلی را نادیده می‌گیرد؛ بنابراین قدرت اجرایی آرای کیفری داخلی فراتر از مرزهای سرزمینی باعث می‌شود وضعیت مردم در بستر نظم حقوق ملی مُتَشَتت شود. تاحدّی که اجرای اصل شناسایی متقابل بنیان حمایت‌های قانون اساسی از حقوق و آزادی‌های مردم را برهم می‌زند و رابطه تابعیت و سرزمین را با حکومت ملی قطع می‌کند. این درحالی است که پذیرش عمومی آرای محاکم و حمایت از آنها در گرو اعتماد عمومی به سازوکارهای موجد آن است. تحت این شرایط باید اجرای اصل شناسایی متقابل محدود به فعالیت‌هایی باشد که در قلمرو هردو سرزمین مجری و متقاضی دارای ماهیت کیفری باشد تا حقوق اساسی اتباع داخلی تحت‌الشعاع اعمال حاکمیت یک‌جانبه دولت خارجی در قلمرو دولت متبوع وی قرار نگیرد. درعین حال که حاکمیت حقوق کیفری یکسان در قلمرو سرزمین دولت مجری و متقاضی در گرو یکسان‌سازی قوانین کیفری در سطح دولت‌های عضو اتحادیه اروپاست. یکسان‌سازی واجد جمع‌آوری قوانین ملی دولت‌های عضو اتحادیه اروپا و از نو نوشتن و اجرای قانون واحد برای کل سرزمین اتحادیه اروپاست. باوجوداین، هر دولت سرزمینی بر اساس قوانین داخلی مشابه دیگر دولت‌ها عمل می‌کند که مخاطب قوانین یکسان هستند. لیکن یکسان‌سازی قوانین کیفری در سطح اتحادیه اروپا بنا به مخالفت دولت‌های عضو و الزامات ناشی از حاکمیت‌های درون‌سرزمینی با بن‌بست مواجه شده است. از این‌رو هماهنگ‌سازی قوانین کیفری بر پایه اصول حقوق کیفری مشترک، گزینه جایگزین است. لیکن هماهنگ‌سازی در شرایط پذیرش قوانین کیفری متفاوت دولت‌های عضو صورت می‌گیرد. برقراری حمایت‌های یکسان از اتباع دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در قبال جرایم متفاوت ارتكابی آنها یکی از سازوکارهای هماهنگ‌سازی است که در قلمرو قانون آیین دادرسی کیفری محقق می‌شود، اعم از اینکه راجع به حقوق دفاعی متهم یا حقوق حمایتی بزه‌دیده باشد.

اصل هماهنگ‌سازی قوانین، بخشی از همکاری قضایی و مبنای اجرایی آن است. استقرار مقررات حداقلی در برخی از موضوعات کیفری ماهوی و شکلی در قلمرو دولت‌های عضو

22. Caroline Morgan, "Where Are We Now with EU Procedural Rights?," *European Human Rights Law Review* 4 (2012): 428.

زمینه‌ساز قرابت قوانین و مقررات است؛^{۲۳} لیکن مقررات حداقلی ماهوی یا شکلی باید از سوی پارلمان و شورای اروپایی در قالب رهنمود برای دولت‌های عضو تصویب شوند. قواعد حداقلی در زمینه حقوق ماهوی با تعریف جرم و مجازات‌های آن تعیین می‌شوند. ماهیت، آثار یا ضرورت مبارزه با این جرایم با شدت عمل مرتکبین یا گستردگی فرامرزی آنها با سازوکارهای مشترک در نظر گرفته می‌شوند. این رویکرد ناشی از غلبه مصلحت‌محوری برای حفظ امنیت کل جامعه اروپاست که در سایر جرایم مفقود است. جرایم شدید قبل از معاهده لیسبون محدود به تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان‌یافته بودند، لیکن در معاهده لیسبون سایر جرایم از جمله جرایم کامپیوتری نیز به این دسته از جرایم افزوده شدند. قواعد حداقلی حقوق شکلی محدود به پذیرش متقابل دلیل کیفری علیه مجرم میان دولت‌های عضو، حقوق اشخاص در دادرسی‌های کیفری و حقوق بزه‌دیدگان است. با وجود این قوانین شکلی مشابه در امور شکلی ضامن همکاری بیشتر و تحقق شناسایی متقابل آرای کیفری است. سیاست همکاری میان دولت‌های عضو بر این اساس نباید به حقوق مجرم و بزه‌دیده در دادرسی کیفری خللی وارد کند. از این‌رو ضروری است که دولت‌های عضو بر اساس حداقل مقررات تعیین شده از سوی پارلمان و شورای اتحادیه اروپا به استانداردهای تضمین‌کننده حقوق متهم و بزه‌دیده عمل کنند، ولو اینکه در سطح داخلی دارای قوانین آیین دادرسی کیفری متفاوت لازم‌الاجرا هستند. اگرچه به نظر می‌رسد در این رویکرد اشکال اصل شناسایی متقابل تا حدودی برطرف شده است، لیکن اصل هماهنگ‌سازی قوانین در تمام جرم‌انگاری‌های دولت‌های عضو اتحادیه اروپا کاربرد ندارد. کما اینکه نظر مخالف حاکی از اعمال شناسایی متقابل در شرایطی است که هماهنگ‌سازی قوانین کیفری در سطح داخلی دولت‌های ذی‌ربط مفقود است.^{۲۴} با وجود این، شناسایی متقابل در شرایط هماهنگ‌سازی قوانین کاربرد دارد.

نتیجه

بر اساس وضعیت فعلی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا انتظار می‌رود تا آرای دادگاه‌های کیفری داخلی مبتنی بر قوانین ملی نسبت به اتباع یکدیگر را با توسل به اصل شناسایی متقابل به رسمیت بشناسند. لیکن بهای این واقعه مساوی با از بین بردن حقوق و آزادی‌های

23. Mantas Pakamanis, "The Need and Possibilities of Harmonisation in Criminal Law Matters in the EU," *Kaunas: Mykolo Romerio Universiteto Viesojo Saugumo Fakultetas* 10 (2013): 164.

24. Alan Dashwood, Michael Dougan, Barry J Rodger, Eleanor Spaventa and Derrick Wyatt, *European Union Law* (Oxford: Hart Publishing, 2011), 6th ed, 412.

اتباع داخلی است، در جایی که آنها مرتکب رفتاری شده‌اند که در قوانین داخلی جرم‌انگاری نشده است. ولو اینکه رفتار آنها بر اساس قانون برون‌سرزمینی از مصادیق جرایم عمومی باشد، توسل دولت متبوع وی به قوانین برون‌مرزی یا احکام صادرشده بر این اساس نافی اصل حاکمیت درون‌سرزمینی است. اگرچه تبعه داخلی در قلمرو سرزمینی دولت متبوع خویش نظم عمومی جامعه دیگر دولت عضو را برهم زده، لیکن تعقیب و مجازات وی در قلمرو سرزمینی به‌موجب اصل شناسایی متقابل از سوی دولت متبوع آنها نیز نظم جامعه درون‌سرزمینی را برهم می‌زند. فرقی میان این دو نیست، درحالی‌که مرتکب اولی تبعه و مرتکب دومی دولت متبوع وی است. مسئولیت رفتار دولت متبوع به‌مراتب سنگین‌تر از رفتار تبعه داخلی است. چراکه مباح بودن رفتار تبعه بر اساس قوانین داخلی و حرکت در این چهارچوب توسط دولت مرکزی متبوع وی اجازه داده شده است. تخطی نکردن تبعه داخلی از این چهارچوب موجبات استحقاق وی از مزایای شهروند قانون‌مدار و برخورداری از حقوق و آزادی‌های مابه‌ازای آن را فراهم می‌کند. حال آنکه تخطی دولت متبوع وی از این الزامات بنا به اصل شناسایی متقابل به دلیل تبعیت از الزامات اتحادیه اروپا و به اجرا گذاشتن آراء یا قرارهای دادگاه‌های برون‌سرزمینی مطابق قوانین خارجی برخلاف چهارچوبی است که او با اتباع داخلی توافق کرده است. صرف‌نظر از اینکه قاعده‌گذاری جدید دولت متبوع در تعارض با ارزش‌های داخلی است. بر این اساس دولت سرزمینی از چهارچوب قانون داخلی خارج می‌شود، زمانی که تبعه داخلی را به‌خاطر رفتاری مباح در سطح داخلی به استناد قوانین برون‌سرزمینی یا آرای محاکم دولت خارجی تعقیب و مجازات می‌کند. به‌صرف اینکه دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا بر اساس قانون کیفری داخلی خویش از سایر دولت‌های عضو چنین انتظاری دارند. درحالی‌که این رفتار تبعه داخلی در قوانین داخلی دولت مجری با ممنوعیت مواجه نیست، لیکن با قانون کیفری برون‌سرزمینی جرم‌انگاری شده است. هرچند که دولت متبوع بنابه عضویت در اتحادیه اروپا، برای توجیه آن به اصل شناسایی متقابل استناد می‌کند، لیکن این شناسایی خارج از قواعدی است که در قلمرو قوانین سرزمینی وی تعریف شده است.

باوجوداین اتحادیه اروپا خواهان برقراری کلیه حقوق بزه‌دیده مطابق استانداردهای جهانی در قلمرو دولت‌های عضو است، ولو اینکه وحدت تابعیت مجرم و بزه‌دیده در یک جرم وجود نداشته باشد. تفاوت در ملیت بزه‌دیده نباید منجر به تفاوت در حقوق وی در سطح اتحادیه اروپا، ولو در قلمرو سرزمینی دولت‌های متفاوت باشد. بزه‌دیده که تبعه دولت عضو اتحادیه

اروپاست، نباید از حقوق متفاوتی به نسبت متهم برخوردار باشد، ولو اینکه تابعیت بزه‌دیده با تابعیت مجرم یکسان نباشد. البته این به معنای کاسته شدن از حقوق بزه‌دیده فراسرزمینی در قلمرو سرزمینی محاکمه‌کننده متهم نیست تا یکسانی حقوق وی با حقوق بزه‌دیده در قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود محقق شود. این رویکرد به معنای هماهنگ‌سازی قوانین داخلی و فراسرزمینی است تا هر دو مجرم و بزه‌دیده تابع این قوانین از حقوق و حمایت یکسان برخوردار باشند. اعم از اینکه حقوق بزه‌دیده یا مجرم در دادگاه‌های دولت متبوع خویش یا غیر مراعات شوند. چراکه در هر صورت دادگاه رسیدگی‌کننده بر اساس قوانین کیفری دولت متبوع بزه‌دیده یا مجرم عمل می‌نماید که هماهنگ‌سازی شده‌اند. مگر اینکه قوانین کیفری دولت رسیدگی‌کننده از استانداردهای بهتری نسبت به قوانین دولت بزه‌دیده یا مجرم دارای تابعیت بیگانه برخوردار باشد. از این حیث فرقی میان بزه‌دیده متبوع و غیرمتبوع نیست. رعایت حقوق بزه‌دیده برون‌سرزمینی به همان میزان حقوق بزه‌دیده درون‌سرزمینی یا متبوع است. بر این اساس فرقی میان بزه‌دیده متبوع یک دولت عضو با دیگر دولت عضو در سطح قلمرو اتحادیه اروپا نیست.

لیکن رعایت قانون برون‌سرزمینی نسبت به بزه‌دیده خارجی منجر به نقض قانون سرزمینی نسبت به متهم متبوع است. مسئولیت تضمین رعایت حقوق متهم برعهده دولت سرزمینی است، درحالی‌که مسئولیت تضمین رعایت حقوق بزه‌دیده نیز برعهده دولت متبوع وی است. وگرنه دولت متبوع مجرم مکلف به نادیده گرفتن حقوق متهم است تا حقوق بزه‌دیده بر اساس قوانین دولت متبوع وی تضمین شود. این وضعیت با مقتضیات اعمال حاکمیت درون‌سرزمینی و منع مداخله در امور دولت خارجی (دولت متبوع بزه‌دیده) در تضاد است. بهای آن را تبعه داخلی (متهم) با مسلوب شدن از حقوق و آزادی‌های بنیادین مقرر در حقوق اساسی دولت متبوع خود می‌پردازد تا وجهه بین‌المللی دولت متبوع وی در جامعه اتحادیه اروپا تضمین شود. حال آنکه پیش‌شرط مکانیسم همکاری حقوقی فی‌مابین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا بر اساس اصل شناسایی متقابل تمرکز بر امنیت اتباع و خودداری از نقض حقوق و آزادی‌های آنان است. حقوق کیفری نه‌تنها دولت را برای مبارزه با جرایم اتباع مجهز می‌کند، بلکه وی را از نقض حقوق و آزادی‌های پیش‌بینی‌شده برای اتباع نیز منع می‌کند. حس مشترک اتباع داخلی دولت‌های عضو در برخورداری از حمایت‌های قانونی در کل قلمرو اتحادیه اروپا نتیجه چنین رویکردی است، حتی زمانی که مخاطب قوانین کیفری متفاوت قرار می‌گیرند. تحت این شرایط به نظر می‌رسد، پیشنهاد

ممکن‌الوصول برای برون‌رفت از این وضعیت هماهنگ‌سازی قوانین در حمایت از بزه‌دیده در سطح اتحادیه اروپاست. برقراری توازن میان نیازهای قربانیان جرم و ایجاد مبانی حقوقی یکسان در قوانین آیین دادرسی کیفری مختلف دولت‌های عضو از پیش‌شرط‌های ضروری هماهنگ‌سازی قوانین دولت‌های عضو اتحادیه است. پرداختن به این مقوله مستلزم نوشتار مستقلی است؛ اما در هر صورت این رویکرد باعث می‌شود که قوانین آیین دادرسی کیفری دولت‌های عضو اتحادیه اروپا با تشابه در مبانی و معیارهای پذیرفته‌شده نسبت به بزه‌دیده در وضعیت متعادلی قرار گیرد، به نحوی که استناد به قانون داخلی یا قانون خارجی دولت متبوع بزه‌دیده تفاوتی نداشته باشد. در نتیجه این تشابه نیز به نظر می‌رسد که تعارض میان حقوق متهم و بزه‌دیده مرتفع باشد. چراکه معیارهای غیرمتعارض میان حقوق مجرم و بزه‌دیده در قوانین داخلی از سوی دولت محاکمه‌کننده با قوانین دولت متبوع بزه‌دیده مشابه است.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آقایی جنت‌مکان، حسین. *حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.
- اردبیلی، محمدعلی و ندا میرفلاح نصیری. «اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی مُتضمن قاعده استرداد یا محاکمه در ایران». *مجله حقوقی دادگستری* ۹۸ (۱۳۹۶): ۳۵-۷.
- پوربافرانی، حسن و حسن بدری. «انتقال دادرسی کیفری در حقوق اتحادیه اروپا و امکان‌سنجی پذیرش آن در حقوق ایران؛ با نگاهی به مبانی فقهی»، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب* ۱ (۱۳۹۶): ۵۶-۳۱.
- پوربافرانی، حسن. *حقوق جزای بین‌الملل*. چاپ ۱۰. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۶.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۱. چاپ ۳۶. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶.
- شریعت‌باقری، محمدجواد. «تصویب موافقتنامه‌های همکاری قضایی بین‌المللی؛ مشکلات و راه‌حل‌ها». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی* ۶۶ (۱۳۹۳): ۷۴-۳۹.
- صالحی، جواد. «آثار بزه‌دیده‌شناسی بر حق مشارکت بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی کیفری». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۲ (۱۳۹۴): ۲۷۶-۲۵۵.
- فروغی، فضل‌اله و بهزاد جودکی. «راه‌حل‌های تعارض صلاحیت در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۵۷ (۱۳۹۶): ۲۸۵-۲۴۹.
- کریمی، داوود. «سیاست کیفری افتراقی در قلمرو ارکان متشکله جرایم سایبری». *فصلنامه مجلس و راهبرد* ۹۳ (۱۳۹۷): ۳۶۸-۳۳۵.
- کوشا، جعفر و مصطفی پاک‌نیت. «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی». *مجله حقوقی دادگستری* ۹۷ (۱۳۹۶): ۵۲-۲۹.

ب. منابع انگلیسی

- Buczma, R. Sławomir. "An Overview of Legal Acts on Protection of Victims of Crime in the View of the Adoption of the Directive 2012/29/EU Establishing Minimum Standards on the Rights, Support and Protection of Victims of Crime in the European Union." *ERA Forum* 14 (2013): 235-250.
- Dashwood, Alan, Michael Dougan, Barry J Rodger, Eleanor Spaventa and Derrick Wyatt. *European Union Law*. 6th Ed. Oxford: Hart Publishing, 2011.
- Elholm, Thomas. "Does EU Criminal Cooperation Necessarily Mean Increased Repression?." *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice* 17 (2009): 191-226.
- Hess, Burkhard. "The Brussels I Regulation: Recent Case Law of the Court of Justice and the Commission's Proposed Recast." *Common Market Law Review* 49 (2012): 1075-1112.

Königs, Tomas, Sohail Wahedi and Tjalling Waterbolk. "The European Union's Approach towards Child Victim Testimonies in Criminal Proceedings Compared to the Right to Fair Trial." *Journal of Politics and Law* 6 (2013): 14-34.

Maria Fletcher, Robin Loof and Bill Gilmore. *EU Criminal Law and Justice*. UK: Edward Elgar Publishing Limited, 2010.

Mitsilegas, Valsamis. "The Place of the Victim in Europe's Area of Criminal Justice." in *Protecting Vulnerable Groups: European Human Rights Framework*. edited by Francesca Ippolito and Sara Iglesias Sanchez, 313-337. Oxford: Hart Publishing, 2015.

Morgan, Caroline. "Where Are We Now with EU Procedural Rights?." *European Human Rights Law Review* 4 (2012): 417-435.

Pakamanis, Mantas. "The Need and Possibilities of Harmonisation in Criminal Law Matters in the EU." *Kaunas: Mykolo Romerio Universiteto Viesojo Saugumo Fakultetas* 10 (2013): 164-180.

Peers, Steve. *EU Justice and Home Affairs Law*. Vol. I. UK: Oxford Scholarship Online, 2016.

Wieczorek, Irene. "A Needed Balance between Security, Liberty and Justice. Positive Signals Arrive from the Field of Victims' Rights." *European Criminal Law Review* 2 (2012): 1-17.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 1

2019-1

- **The European Union and International Criminal Court: Institutional Cooperation and Support**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani & Dr. Esmaeel Yaghoubi
- **The Scope of Penal Mediation in Various Types of Crimes in Iranian Substantive Law**
Dr. Hossein Gholami & Dr. Badr Soudani Sadery
- **Punishment Mitigation in the Law of Campaign against Trafficking Goods and Currency Passed in 1392**
Ahmad Reza Koocheki & Dr. Shahram Ebrahimi
- **A Criminological Study of the Effective International Factors on Committing Crimes against Humanity**
Dr. Samira Golkhandan
- **The Consequences of Populist Penal Policy in Sexual Crimes against Children and Teenagers**
Dr. Parima Taherishad & Dr. Hooshang Shambayati
- **An Introduction to “Criminal Insurance Law” towards an “Insurance-Oriented Criminal Policy”**
Dr. Mehrdad Rayejian Asli & Naeim Saha'mi
- **Conflict or Interaction of Foreign Criminal Laws with Victim's Rights; in Light of the Principle of Mutual Recognition in EU Criminal Law**
Dr. Javad Salehi
- **Principle of Mutual Recognition of Judgements and Judicial Decisions in European Union Criminal Law with Look at Criminal Judgements and European Arrest Warrant**
Dr. Behzad Razavi Fard & Mohammad Faraji

